



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۲۶

جدایی‌گزینی فضایی کلانشهر مشهد و تحلیل مضمون طرح‌های تفصیلی پیشنهادی

امیرحسین صبورى فخرآبادى (کارشناسی شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

amirhossein.saboorifakhrabadi@mail.um.ac.ir

ایمان قلندریان (استادیار شهرسازی، دانشگاه فروسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

ghalandarian@um.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

صص ۱۷۶-۱۵۵

چکیده

با افزایش روند شهرنشینی، مهاجرت و تشدید افتراق میان گروه‌های اجتماعی-اقتصادی شهری، پدیده جدایی‌گزینی شهری در بسیاری از کلانشهرها به مانعی قابل توجه در جهت دستیابی به جامعه شهری همبسته مبدل گشته است. این پدیده ارتباطات بین طبقاتی را به طور جدی مورد تهدید قرار داده به طوری که نمود آن در ساختار فضایی شهرها قابل رؤیت است. طرح‌های تفصیلی به عنوان اصلی‌ترین طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری و مهم‌ترین اسناد تأثیرگذار بر توسعه و ساماندهی شهر، می‌تواند این پدیده را تعدیل یا تشدید نماید. هدف این پژوهش تحلیل مضمون طرح‌های تفصیلی حوزه‌هایی از کلانشهر مشهد است که با پدیده جدایی‌گزینی فضایی روبرو هستند. این پژوهش از نظر ماهیت، با به کارگیری روش آمیخته کمی-کیفی، در زمره تحقیقات ترکیبی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از نرم‌افزار تحلیلگر جدایی‌گزینی، شاخص موران عمومی و آنالیز لکه‌های داغ، براساس مؤلفه‌های سکونتی و به استناد داده‌های مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۹۵؛ شدت و تجمع پایگاه‌های پایین اجتماعی-اقتصادی را به طور خاص در حوزه‌های شرق شهر مشهد هویدا می‌سازد. این تحقیق با به کارگیری روش تحلیل مضمون در بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های طرح‌های تفصیلی حوزه‌های مربوطه نشان می‌دهد: با اصلاح تیپ‌بندی گونه‌های سکونتی، بهبود سرانه خدمات غیرانتفاعی و افزایش پروژه‌های پیشران توسعه در این طرح‌ها می‌توان پدیده جدایی‌گزینی شهری در کلانشهر مشهد را تعدیل کرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، جدایی‌گزینی شهری، طرح‌های تفصیلی شهری، کلانشهر مشهد، گروه‌های اجتماعی-

اقتصادی

۱. مقدمه

رشد سریع شهرنشینی در دهه‌های اخیر به دلیل مهاجرت‌های فراوان به شهرها و کلانشهرها و نبود سیاست و برنامه مناسب و کاربردی در جهت رسیدگی به مسائل و مشکلات ناشی از این تغییرات، موجب بروز نابرابری و بی‌عدالتی در ابعاد مختلف اجتماعی و فضایی شده است (قلندریان و داداش پور، ۱۳۹۶). به طور مشخص دستیابی به شهری منسجم، به دور از هرگونه بی‌عدالتی که محیط را برای رشد و شکوفایی استعدادها متنوع موجود در خود مهیا کرده، بدون تعدیل و از میان بردن این نابرابری‌ها بعید به نظر می‌رسد (نایتینگل^۱، ۲۰۱۲، ص. ۱۰-۱۱). جدایی‌گزینی شهری یکی از نمودهای عدم عدالت و یکپارچگی در شهرهاست.

در واقع واژه جدایی‌گزینی برای اولین بار به منظور توصیف اقدامات تقسیم‌کنندگان شهر^۲ در دهه ۱۸۹۰ میلادی از سوی ایشان وارد ادبیات جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری شد، باین حال باید گفت قدمت وجود این پدیده برابر با قدمت خود شهرها است چرا که خواستگاه تقسیم شهرها همواره وجود داشته است (نایتینگل^۳، ۲۰۱۲، ص. ۲-۳). شدت بالای جدایی‌گزینی در نواحی مختلف شهری می‌تواند تمرکز فقر و محرومیت‌هایی از جمله توزیع ناموزون خدمات عمومی، کمبود فرصت‌های شغلی و سایر تبعیض‌هایی که خود موجب افزایش میزان نرخ جرم و جنایت در جامعه می‌گردد را به همراه داشته باشد (رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹). به عبارتی زندگی در کنار جمعیت بزرگی که هیچ پیوندی بینشان موجود نیست، حس رقابت و استثمار متقابل را افزایش می‌دهد (پاپلی یزدی و رجبی سناجرودی، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۸-۲۹۶).

لازم به ذکر است جدایی‌گزینی شهری علاوه بر مسائل اجتماعی، مسائل فضایی را نیز شامل شده که در ساختار فضایی و پیکربندی شهرها نمود پیدا می‌کند. به عنوان مثال عواملی همچون تفکیک فضای عمومی، دسترسی فضایی محدود و توزیع نابرابر خدمات، تهدیدی علیه جامعه شهری، رفاه، توسعه و رشد اقتصادی و دموکراسی شهری به شمار می‌رود (لجبی^۴، ۲۰۱۳). لذا شناخت عوامل تأثیرگذار بر این پدیده و دستیابی به راه‌حل‌های تعدیل آن حائز اهمیت می‌باشد. باین حال بیشتر پژوهش‌های مرتبط با جدایی‌گزینی شهری به جدایی‌گزینی سکونت و یا جدایی‌گزینی مسکن تقلیل یافته است. هر چند این رویکردها درکی عمیق از جدایی‌گزینی و نحوه توزیع گروه‌های اجتماعی-اقتصادی در شهر ارائه می‌دهند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۷)، لیکن بررسی عوامل و راه‌حل‌ها در جهت تعدیل آن برای رسیدن به جامعه‌ای با عدالت اجتماعی، اقتصادی و فضایی بیشتر لازم به نظر می‌رسد.

شهر مشهد، به عنوان دومین کلان شهر ایران از جمله شهرهایی است که به واسطه مهاجرت‌های داخلی و خارجی، دارای گروه‌های قومی، مذهبی، اجتماعی و درآمدی متنوعی می‌باشد. از آنجا که اغلب ترجیح مهاجران و گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی سکونت در محل‌هایی است که همسایگان‌شان شرایط نزدیک به آن‌ها را داشته

1. Nightingale
2. City Splitters
3. Nightingale
4. Legeby

باشند (اسمیت^۱ و همکاران، ۱۹۹۷)، پدیده جدایی‌گزینی در شهر مشهد تشدید شده است. نکته دیگر نقش نظام مدیریتی در کاهش جدایی‌گزینی‌های شهری و تعدیل مشکلات حاصل از آن در قالب طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. به طبع با بررسی میزان و عوامل شکل‌گیری این پدیده و ارائه برنامه‌های مناسب در جهت کاهش آن می‌توان گامی بلند در راستای ایجاد جامعه شهری همبسته برداشت. لذا این پژوهش به منظور توصیف وضعیت جدایی‌گزینی شهر مشهد و با نظر به نقش اساسی طرح‌های توسعه شهری در ارتباط با آن، در پاسخ به سوالات زیر انجام شده است: پدیده جدایی‌گزینی فضایی در کلانشهر مشهد چگونه است؟ رویکرد طرح‌های تفصیلی مرتبط در جهت تعدیل این پدیده چیست؟

در زمینه جدایی‌گزینی‌های شهری پژوهش‌های متنوعی انجام شده است. به عنوان مثال، تحقیقاتی که مسی و دنتون^۲ (۱۹۸۸) بر روی کلانشهرهای ایالات متحده برای مشخص کردن تفکیک مسکونی انجام دادند و در آن پنج بعد برابری، مواجهه، تمرکز، تراکم و خوشه‌بندی را برای محاسبه میزان جدایی‌گزینی معرفی کردند. مسی و تانن^۳ (۲۰۱۸) بیان می‌دارند جدایی‌گزینی و تفکیک فضایی گروه‌های نژادی اسپانیایی، آسیایی و سفیدپوستان آمریکا در سال‌ها ۱۹۷۰ تا ۲۱۰۰ رو به کاهش و دستاوردهای اقتصادی-اجتماعی آن‌ها در این امر موثر است. دی لوید و شاتلورث^۴ (۲۰۱۲) طی تحقیقی که بر روی ایرلند شمالی انجام دادند عوامل مذهبی و سیاسی را از جمله عوامل اصلی در ماهیت تفکیک مسکونی در سراسر این محدوده بیان می‌کنند. ساگر^۵ (۲۰۱۲) جداسازی مسکونی مهاجران آلمانی از ترکیه، ایتالیا، بالکان و اروپای شرقی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در این بین جداسازی اجتماعی و قومی را عامل اصلی در این جدایی‌گزینی‌ها معرفی می‌کند. کرسٹوفر^۶ (۲۰۰۱) در تحقیق خود بیان می‌کند که از زمان پایان آپارتاید قانونی در سال ۱۹۹۱، سطوح جداسازی نژادی شهری در آفریقای جنوبی کاهش یافته است. با این حال، سطوح جداسازی به طور استثنایی بالا باقی می‌ماند و ادغام سریع ممکن است نیازمند به مداخله دولت باشد. ویلاچا^۷ (۲۰۱۱) در بررسی جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی در سائوپائولو برزیل، عوامل اقتصادی و سیاسی را مهم‌ترین عوامل در جدایی‌گزینی‌های شهری در سائوپائولو دانسته که در ساختار فضایی شهر و نحوه تفکیک سکونت نمود پیدا کرده است.

تامارو^۸ و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه تطبیقی مناطق شهری اروپا، تفکیک نوع سکونت را با سطوح درآمدی گروه‌های اجتماعی-اقتصادی مرتبط می‌دانند. یاپ نیوونهوئیس^۹ و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه بر روی چهار کشور

1. Smith
2. Massey and Denton
3. Massey and Tannen
4. Christopher D Lloyd & Ian Shuttleworth
5. Lutz Sager
6. A. J. Christopher
7. Villaça
8. Tammaru
9. Jaap Nieuwenhuis

اروپایی: سوئد، هلند، بریتانیا (انگلیس و ولز) و استونی، نابرابری های درآمدی را عاملی جدی برای تحرکات اجتماعی-فضایی در میان تفکیک فضایی عنوان می کند.

در ایران نیز پژوهش هایی بر روی جدایی گزینی شهری انجام شده است. به عنوان مثال رهنما (۱۳۷۷) نشان می دهد که جدایی گزینی سکونتی در شهر مشهد طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۷۰ روند افزایشی داشته است. مشکینی و رحیمی (۱۳۹۰) در تحقیقی بر روی سنجش جدایی گزینی فضایی شهر تهران، عوامل مذهب و قومیت را موثرترین عوامل در جدایی گزینی این شهر بیان می کنند. قضایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان می کنند کیفیت منازل مسکونی شهر مشهد با بالاترین میزان جدایی گزینی همراه است. رفیعیان و همکاران (۱۳۹۷) در سنجش جدایی گزینی های اجتماعی- فضایی مهاجران در شهر مشهد، بیان می کنند مهاجران مشهد عمدتاً مکان هایی را برای سکونت انتخاب می کنند که با توجه به خواستگاه اقتصادی و اجتماعی شان برای آنها قابل استطاعت است. لطفی و قضائی (۱۳۹۸) در بررسی نقش جدایی گزینی در شکل گیری بافت محنت زده قاسم آباد مشهد، هر دو پدیده جدایی گزینی و محنت زدگی شهری در محدوده مورد مطالعه را مشخص می دارد. رفیعیان و زاهد (۱۳۹۹) در تبیین ارتباط جدایی گزینی فضایی شهر قم با ساختار فضایی شهر اذعان می دارند ساختار متمرکز و خوشه ای شهر موجب ایجاد جدایی گزینی متوسط میان قشرهای موجود در شهر شده است. حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه ای بر روی شهر اصفهان نشان می دهند که بین سطح اجتماعی- اقتصادی خانواده ها و میزان دسترسی به خدمات و کاربری های شخصی رابطه مستقیمی وجود دارد.

با توجه به پژوهش های انجام شده عوامل اجتماعی- اقتصادی از مهم ترین عوامل ایجاد جدایی گزینی و مؤلفه های سکونتی از بارزترین نمودهای آن در ساختار فضایی شهر می باشند. در همین جهت نقش طرح های فرادست شهری برای ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی و اقتصادی و اصلاح ساختار فضایی به واسطه سیاست ها و برنامه ریزی هایی که برای بخش های مختلف شهر ارائه می دهند؛ نقشی مهم و اساسی است که تا به حال کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. شهر مشهد با توجه به تنوع گروه های اجتماعی و اقتصادی موجود در آن نمونه خوبی برای بررسی وجود این نوع جدایی گزینی و مطالعه نوع پیشنهادات طرح های فرادست برای تعدیل این پدیده می باشد.

این جدایی گزینی به اشکال مختلف جدایی گزینی های فضایی، سکونتی، درآمدی، اجتماعی و اقتصادی و نژادی (قضایی و همکاران، ۱۳۹۵) تفکیک شده و به دو نوع به عنوان گونه های غالب از سوی وایت^۱ (۱۹۸۳) مطرح شده اند: جامعه شناختی (عدم وجود تعامل بین گروه های جمعیتی) و جغرافیایی (جدایی های فضایی بین گروه ها) که با یکدیگر مرتبط اند.

منشأ این جدایی گزینی ها را می توان به سه عرصه: ۱- نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی، ۲- دولت و نظم ساختار سیاسی و ۳- عرصه زیست- اجتماعی مرتبط دانست (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶) و از سوی دیگر ساختار فضایی شهرها را یکی از عوامل مهم شکل گیری و تشدید این پدیده در شهرها به شمار آورد (رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹). در

جوامعی که طبقات اجتماعی شکل گرفته‌اند، نقش عرصه‌های اقتصادی در جدایی‌گزینی طبقاتی اساسی می‌باشد؛ اما جوامعی که تمایز طبقاتی را پشت سر گذاشته‌اند، منابع و اقتدار سیاسی دولت است که نقش اساسی در جدایی‌گزینی‌های فضایی و اجتماعی و دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی داشته و تعیین کننده جهت و شدت رابطه بین عرصه‌های مزبور می‌باشد (افروغ، ۱۳۷۷، ص. ۲۳۷). به بیان دیگر در جوامع امروزی دولت و ساختار سیاسی با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها در قالب سیستم مدیریت شهری و طرح‌های مختلف اجرایی موجب شکل‌گیری و یا تشدید گروه‌بندی‌ها و نیز ایجاد ساختار فضایی شهری شده که تأثیر جدی بر جدایی‌گزینی‌های شهری دارد. این گروه‌ها در انتخاب محل سکونت از مواردی نظیر: ترجیحات شخصی، بازار کار، بازارهای زمین و املاک و سیاست‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌ها تأثیرپذیر بوده (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۷) و جدایی‌گزینی‌های فضایی شکل می‌گیرد.

به طور کلی شاخص‌های جدایی‌گزینی در آمریکا رشد و توسعه پیدا کرد. از دهه ۱۹۴۰، محققان به ارائه روش‌های اندازه‌گیری جدایی‌گزینی اکولوژیکی از قبیل شاخص مواجهه نرمال^۱ ارائه شده توسط بل^۲ در سال ۱۹۵۴ و دلتای سستی^۳ و شاخص عدم تشابه^۴ ارائه شده توسط دانکن^۵ در سال ۱۹۵۵ پرداختند. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی سایر محققان نظیر وانگ^۶ (۱۹۹۳)، مورگان^۷ (۱۹۸۳)، جاکوبس^۸ (۱۹۸۱)، به منظور اصلاح یا تکمیل دیگر روش‌های سنجش جدایی‌گزینی اکولوژیکی موجود، روش‌های اندازه‌گیری جدایی‌گزینی فضایی را بسط و توسعه دادند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵). در چند دهه اخیر مسی^۹ و دنتون^{۱۰} (۱۹۸۸) نظر به اهمیت روابط فضایی روش‌های سنجش جدایی‌گزینی را به پنج بعد طبقه‌بندی کردند. این پنج بعد شامل: برابری^{۱۱} (توزیع افتراقی گروه‌های جمعیتی در میان واحدهای منطقه ای در شهر)؛ مواجهه^{۱۲} یا انزوا^{۱۳} (امکان تعامل یا تماس بالقوه گروه‌های جمعیتی)؛ تراکم^{۱۴} (شدت توزیع گروه‌های جمعیتی)؛ تمرکز^{۱۵} (پراکندگی گروه‌های جمعیتی با تاکید بر مرکز شهر) و خوشه بندی^{۱۶} (درجه جدایی یا مجاورت گروه‌های جمعیتی) است (مسی و دنتون^{۱۷}، ۱۹۸۸). با این حال ریردون و

1. Normalized exposure

2. Bell

3. the classic Delta

4. dissimilarity index

5. Duncan

6. Wong

7. Morgan

8. Jakubs

9. Massey

10. Denton

11. Evenness

12. Exposure

13. Isolation

14. Concentration

15. Centralization

16. Clustering

17. Massey and Denton

اوسالیوان^۱ (۲۰۰۴) ابعاد تمرکز و تراکم را به عنوان زیرمجموعه‌های خاص ابعاد برابری به شمار برده و دو مفهوم فضایی برابری و مواجهه را برای اندازه‌گیری و بررسی جدایی‌گزینی فضایی ارجح می‌دانند. بنابراین می‌توان ابعاد برابری و مواجهه را در سنجش جدایی‌گزینی، برتر دانست (اوکا و وانگ^۲، ۲۰۱۴). مضاف بر آن بررسی بعد خوشه‌بندی و شاخص‌های آن در درک هرچه بهتر نحوه جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف در محیط می‌تواند بسیار مفید باشد.

برای هر بعد جدایی‌گزینی، معمولاً سه نوع متمایز از شاخص‌ها شامل تک‌گروهی^۳، دوگروهی^۴ و چندگروهی^۵ بیان می‌گردد. شاخص‌های تک‌گروهی توزیع جمعیت یک گروه را در مقایسه با کل جمعیت اندازه‌گیری می‌کند؛ شاخص‌های دوگروهی توزیع جمعیت یک گروه را با گروه دیگری مقایسه می‌کند و شاخص‌های چندگروهی که توزیع جمعیت چندین گروه را به طور همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (دیونی^۶، ۲۰۱۱). از آنجایی که جوامع امروزی پیچیده، چندقومیتی و چندگروهی هستند، شاخص جدایی‌گزینی چندگروهی (که شکل تعمیم‌یافته شاخص‌های دوگروهی می‌باشند) مورد توجه قرار گرفته‌است. مورگان^۷ (۱۹۷۵) و بعدها ساکودا^۸ (۱۹۸۱) براساس مفهوم شاخص عدم تجانس برخی را معرفی کردند و بعدها وانگ^۹ (۱۹۸۸) با اضافه کردن واحد فضایی آن‌ها را کامل‌تر کرد (رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹). بر این اساس ابعاد و شاخص‌های اصلی بررسی جدایی‌گزینی فضایی به شکل ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

بعد برابری: شاخص‌های این بعد تفاوت سهم جمعیتی هر واحد فضایی را اندازه‌گیری می‌کند. به طوری که هر چه توزیع گروه‌های جمعیتی در قالب واحدهای فضایی یکنواخت باشد، جدایی‌گزینی بیشتر می‌شود. شاخص‌های چندگروهی اصلی این بعد، شاخص عدم تشابه^{۱۰} (ارزش این شاخص بین ۰ و ۱ است. در جایی که مقدار شاخص صفر است توزیع عادلانه و بی‌طرف و در جایی که مقدار آن یک است به معنی جدایی‌گزینی کامل می‌باشد)، شاخص عدم تجانس فضایی^{۱۱} (ارزش این شاخص بین ۰ و ۱ است. ارزش بیشتر شاخص به معنی جدایی‌گزینی بیشتر گروه‌ها در واحدهای فضایی و به تبع آن توزیع نابرابر گروه‌ها در سطح شهر می‌باشد)، شاخص جینی^{۱۲} (مرتبط با شاخص عدم تجانس. میانگین تفاوت مطلق میان نسبت اقلیت در سراسر هر جفت از واحدهای فضایی. این شاخص بین

1. rrrr add '' . iiiii aan

2. Oka and Wong

3. One-group indices

4. Two-group indices

5. Multigroup indices

6. Djonie

7. Morgan

8. Sakoda

9. Wong

10. Multigroup dissimilarity index

11. Spatial version of multigroup dissimilarity index

12. Multigroup Gini index

• (توزیع عادلانه) و ۱ (جدایی‌گزینی کامل) است، شاخص آنتروپی^۱ (انحراف متوسط موزون آنتروپی هر واحد از آنتروپی کل شهر. ارزش این شاخص بین ۰ (همه ی نواحی ترکیب یکسان) و ۱ (همه ی نواحی دربردارنده ی فقط یک گروه) است) و شاخص بیضی انحراف^۲ (مانند انحراف معیار در آمار. افزایش پراکندگی ویژگی مجموعه نقاط و یا سطوح در اطراف مرکز میانگین به ترسیم بیضی استاندارد بزرگتر منجر می‌شود. ارزش این شاخص بین ۰ (حداکثر اشتراک و اجتماع بین بیضی انحراف گروه‌های جمعیتی و حداقل جدایی‌گزینی) و ۱ (حداقل اشتراک و اجتماع ما بین بیضی انحراف گروه‌های جمعیتی و حداکثر جدایی‌گزینی) است) (ری‌ردون و اوسالیوان^۳، ۲۰۰۴؛ مسی و دنتون^۴، ۱۹۸۸).

بعد مواجهه: به درجه ارتباط بالقوه، یا فعل و انفعالات ممکن بین اعضای گروه‌ها در درون نواحی جغرافیایی یک شهر اشاره دارد. شاخص‌های چندگروهی اصلی این بعد، شاخص مواجهه نرمال^۵ (مقدار این شاخص بین ۰ و ۱ است. صفر یعنی اصلاً مواجهه‌ای وجود ندارد و یک به معنی مواجهه‌ای بالا است. مقدار بیشتر ارزش نشان‌دهنده جدایی‌گزینی بیشتر است)، شاخص تنوع نسبی^۶ (ارزش آن بین ۰ و ۱ است. به معنای احتمال این که دو فرد در یک واحد فضایی یکسان از اعضای گروه‌های متفاوتی هستند. صفر تنوع و یک به معنی جدایی‌گزینی کامل است) و شاخص ضریب مربع تغییرات^۷ (این شاخص انحراف استاندارد از میانگین توزیع نرمال است. اندازه شاخص بین ۰ (توزیع برابر و عادلانه) و ۱ (جدایی‌گزینی کامل) است) (دیونی^۸، ۲۰۱۱؛ وانگ^۹، ۲۰۰۳).

بعد خوشه‌بندی: بیانگر میزان تجمع و یا عدم تجمع مؤلفه مورد نظر در محدوده فضایی می‌باشد. شاخص‌های چندگروهی اصلی این بعد، موران عمومی^{۱۰} (اندازه‌گیری میزان خوشه‌ای شدن. اندازه شاخص بین ۱- تا ۱ است. مقادیر مثبت خوشه‌ای شدن و مقادیر منفی توزیع پراکنده و مقدار صفر نشان‌دهنده تصادفی بودن آن است) و آنالیز نقاط داغ^{۱۱} (این آنالیز به شکل نقشه‌هایی است که نواحی گرم نشان‌دهنده خوشه‌بندی مؤلفه در آن محدوده و نواحی سرد نشان‌دهنده عدم پراکنش مؤلفه در آن محدوده می‌باشد) (رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹؛ یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ آپریسیو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴).

1. Information theory index (entropy index)

2. Deviational ellipse index

3. rrrr rrr add " Siiii aan

4. Massey and Denton

5. Normalized exposure

6. Relative diversity

7. Squared coefficient of variation

8. Djonie

9. Wong

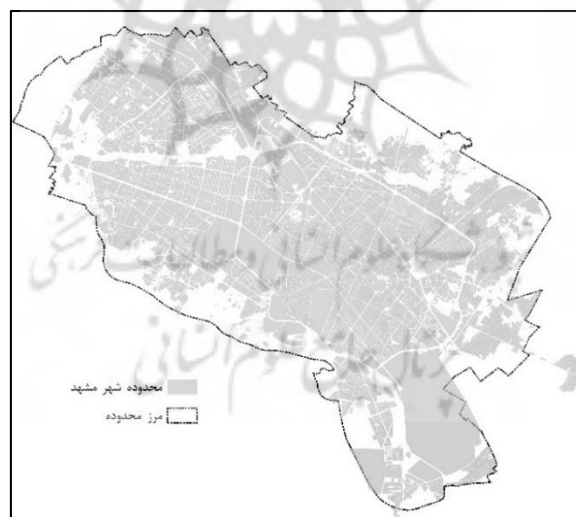
10. Moran1

11. Hot Spot Analysis

12. Apparicio

۲. روش شناسی

این مطالعه در زمره پژوهش‌های کاربردی است. از نظر ماهیت، با بهره‌گیری از روش آمیخته کمی- کیفی، در زمره تحقیقات ترکیبی بوده و از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. در پاسخ به سوال اول (جدایی‌گزینی فضایی شهر مشهد) از ملاحظات روش شناسی کمی استفاده شده است. مورد مطالعه، محدوده شهر مشهد می‌باشد (شکل ۱). مشهد به واسطه جایگاه ملی و منطقه‌ای خاص خود، مقصد مهاجران زیادی است. مهاجرت‌هایی که به علل گوناگون از یک طرف به دلیل وضعیت اقتصادی مناسب‌تر، دسترسی بهتر به خدمات آموزشی، درمانی و تفریحی شهر مشهد و از طرف دیگر ناشی از تشدید پدیده‌های ناامنی، خشکسالی، کاهش بهره‌وری کشاورزی و غیره در شهرها و روستاهای مبدأ می‌باشد (قلندریان، ۱۴۰۱). تجمع این گروه‌های مهاجر در نقاط خاصی از شهر، هسته‌هایی را داخل شهر شکل داده که از نظر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کاملاً با پیرامون خود متفاوت است، در نتیجه زمینه‌های لازم برای بروز جدایی‌گزینی‌های قومیتی، کاهش تماس بین طبقاتی و نیز توسعه فیزیکی ناموزون را فراهم ساخته و فاصله اجتماعی بین شهروندان و مهاجران به وجود آمده است (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۷). این عوامل رفته‌رفته افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر را موجب شده و زمینه‌ساز جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان شده است (قضایی و همکاران، ۱۳۹۵).



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه

بر این اساس جامعه آماری، کل محدوده کالبدی شهر مشهد به تفکیک بلوک‌های آماری (۲۰۱۰۴ بلوک) در قالب نقشه‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی و خانوارهای ساکن در آن (۹۱۴۵۵ خانوار) براساس داده‌های مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌باشد. به منظور بررسی جدایی‌گزینی فضایی سعی بر دسته‌بندی داده‌های آماری به سه

دسته بالا، متوسط و پایین بر حسب گروه‌های اجتماعی-اقتصادی شده است. به دلیل عدم دسته‌بندی مناسب داده‌های اجتماعی و اقتصادی و متغیرهای مربوطه در سال ۹۵، ویژگی‌های سکونت به عنوان بارزترین نمود تفاوت‌های گروه‌های اجتماعی-اقتصادی شهری، برپایه متغیرهای مساحت واحدهای مسکونی، اسکلت سازه و مصالح ساختمانی مدنظر قرار گرفته است (جدول ۱).

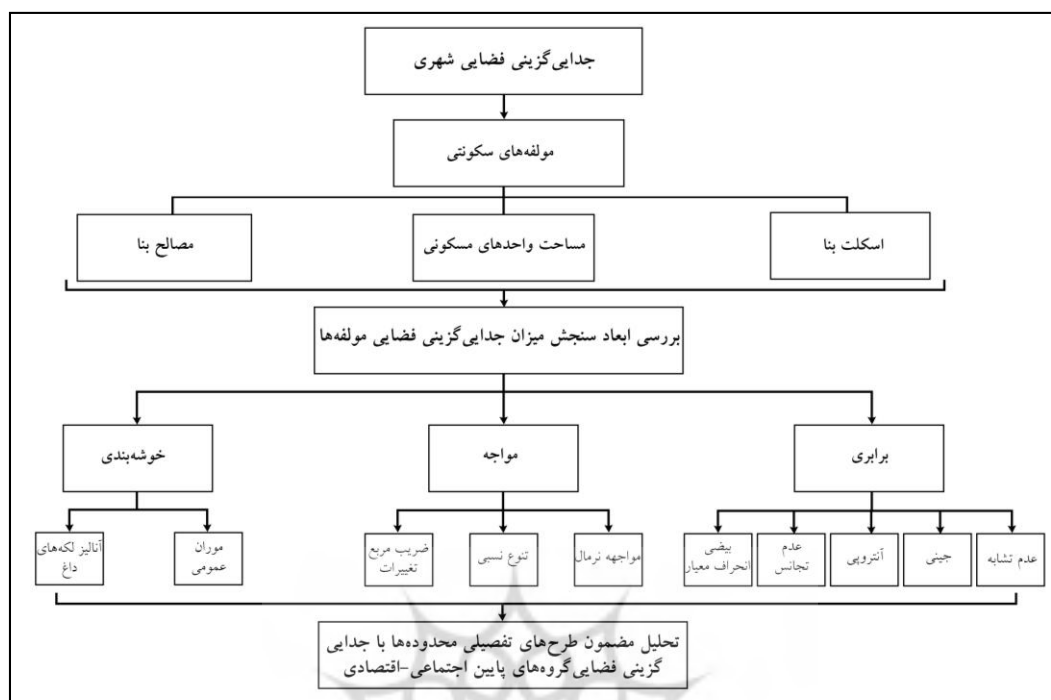
جدول ۱. متغیرهای تعیین پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی بر اساس ویژگی‌های سکونت

نوع پایگاه متغیر	پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط	پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین
اسکلت	بتن آرمه	فلزی	سایر
مصالح	آجر و آهن	تمام آجر، آجر و چوب، بلوک سیمانی	خشت و گل، خشت و چوب، تمام چوب
مساحت واحدهای مسکونی	بیش از ۱۰۰ مترمربع	۷۵ تا ۱۰۰ مترمربع	کمتر از ۷۵ مترمربع

محاسبات میزان جدایی‌گزینی در دو بعد برابری و مواجهه (به عنوان ابعاد اصلی بررسی این پدیده) بر حسب شاخص‌های چندگروهی توسط نرم‌افزار کاربردی تحلیلگر جدایی‌گزینی که به وسیله آپریسیو در سال ۲۰۰۸ در پژوهشکده شهرسازی، فرهنگ و اجتماع دانشگاه کوکب مونترال کانادا تولید شده (آپریسیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) انجام گرفته است. همچنین اندازه‌گیری و نمایش میزان خوشه‌بندی گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی با استفاده از آماره موران عمومی و آنالیز لکه‌های داغ در نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) صورت گرفته است. در ادامه در پاسخ به سوال دوم (موضع طرح‌های تفصیلی نسبت به این پدیده)، با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون (که به وسیله آتراید-استرلینگ^۲ بیان گردید)، به تحلیل پیشنهادات طرح‌های تفصیلی در جهت تعدیل پدیده جدایی‌گزینی در حوزه‌های هدف، پرداخته شده است. جامعه هدف در این بخش پیشنهادات طرح‌های تفصیلی حوزه جنوب شرقی، میانی شرقی و شمال شرقی شهر مشهد بوده است که به روش کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفته است. به منظور بررسی پایایی نتایج، کدگذاری توسط پژوهشگران به صورت مجزا انجام و پس از مقایسه، هم‌نوایی مطلوبی میان نتایج مشاهده شد (بالای ۷۰ درصد).

1. Apparicio

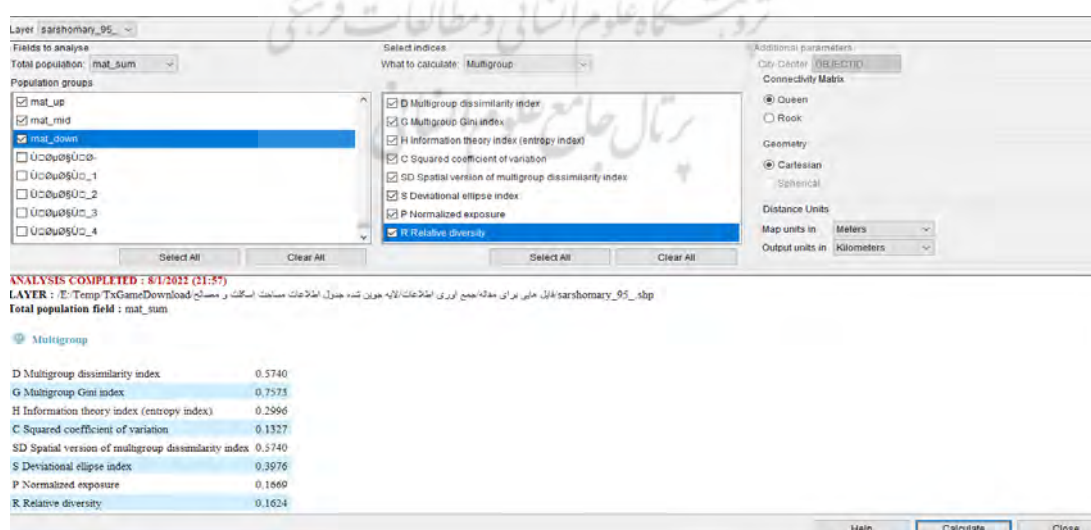
2. iiii iiii iiii



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

۳. یافته ها

در این پژوهش تحلیل های مدنظر در ابعاد برابری و مواجهه با استفاده از نرم افزار تحلیلگر جدایی گزینی (شکل ۳) و در بعد خوشه بندی با استفاده از نرم افزار جی ای اس انجام شده و نتایج در ابعاد مختلف به تفکیک بیان شده است.



شکل ۳. نحوه محاسبه شاخص های جدایی گزینی در نرم افزار تحلیلگر جدایی گزینی

بعد برابری

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۲ باید بیان کرد مقادیر به دست آمده از شاخص‌های این بعد حاکی از تجمع خوشه‌ای گروه‌های اجتماعی-اقتصادی بر اساس متغیرهای مدنظر و شدت پدیده جدایی‌گزینی می‌باشد. همچنین کشیدگی بیضی‌های انحراف استاندارد نیز نشان از آن دارد که به طور عمده تجمع پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین در نواحی شرقی، پایگاه‌های متوسط در نواحی جنوب و میانی غربی و بخش‌هایی از میانی شرقی و پایگاه‌های بالا در نواحی جنوب و میانی غربی می‌باشد. لازم به ذکر است میزان جدایی‌گزینی گروه‌ها بر اساس متغیر اسکلت سازه به نسبت دو متغیر دیگر بیشتر است.

جدول ۲. میزان جدایی‌گزینی پایگاه‌ها اجتماعی-اقتصادی بر حسب شاخصه‌های بعد برابری در شهر مشهد

شاخصه متغیر	مساحت واحد مسکونی	اسکلت	مصلح
شاخص عدم تشابه چندگروهی	۰/۴۴۳۰	۰/۵۷۶۷	۰/۵۷۴۰
شاخص جینی چندگروهی	۰/۵۹۲۸	۰/۷۳۹۳	۰/۷۵۷۳
شاخص تئوری اطلاعات (شاخص آنتروپی)	۰/۲۵۱۵	۰/۳۶۴۴	۰/۲۹۹۶
شاخص عدم تجانس چند گروهی فضایی	۰/۴۴۳۰	۰/۵۷۶۸	۰/۵۷۴۰
شاخص بیضی انحراف معیار	۰/۶۴۱۰	۰/۶۴۹۲	۰/۳۹۷۶

بعد مواجهه

با توجه به جدول ۳ نتایج حاصله از شاخصه‌های این بعد حاکی از آن است که به طور متوسط جدایی‌گزینی اندک در میان گروه‌های اجتماعی-اقتصادی در متغیرهای مذکور وجود دارد. کم بودن شدت جدایی‌گزینی این بعد به نسبت بعد برابری بدان معناست که با وجود جدایی‌گزینی فضایی امکان ارتباط بالقوه، یا فعل و انفعالات ممکن بین اعضای گروه‌ها در درون نواحی وجود دارد. شایان ذکر است در این بعد نیز میزان جدایی‌گزینی بر اساس متغیر اسکلت سازه به نسبت دو متغیر دیگر بالاتر است.

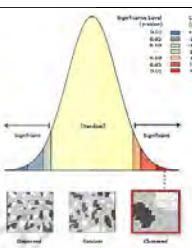
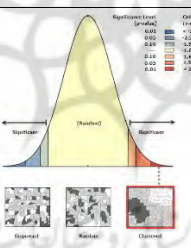
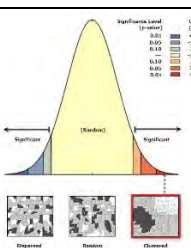
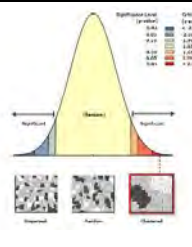
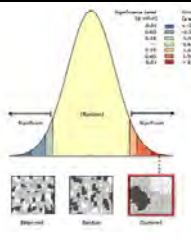
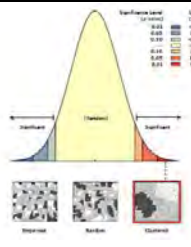
جدول ۳. میزان جدایی‌گزینی پایگاه‌ها اجتماعی-اقتصادی بر حسب شاخصه‌های بعد برابری در شهر مشهد

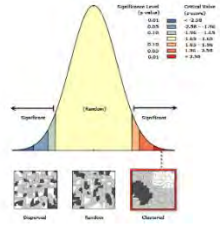
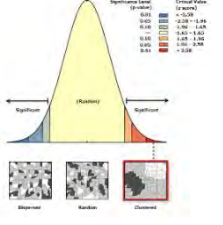
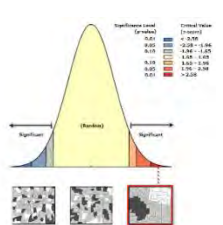
شاخصه	متغیر	مساحت واحد مسکونی	اسکلت	مصالح
شاخص مواجهه نرمال		۰/۲۵۶۶	۰/۳۹۹۷	۰/۱۶۶۹
تنوع نسبی		۰/۲۵۶۶	۰/۳۹۷۹	۰/۱۶۲۴
ضریب مربع تغییرات		۰/۲۵۹۶	۰/۳۵۴۳	۰/۱۳۲۷

بعد خوشه‌بندی

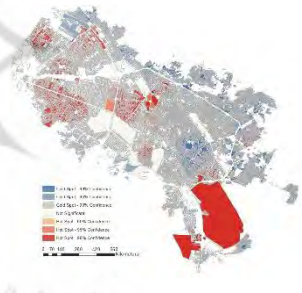
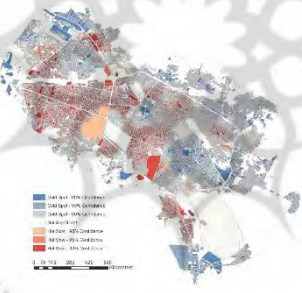
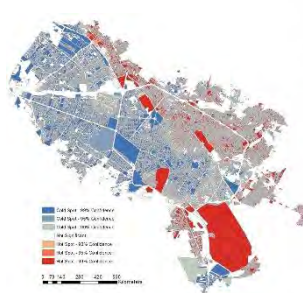
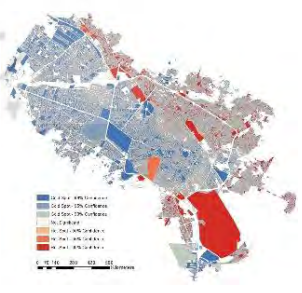
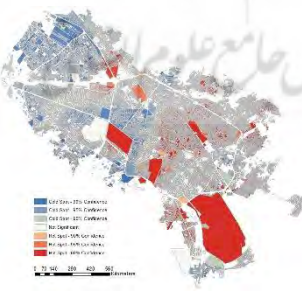
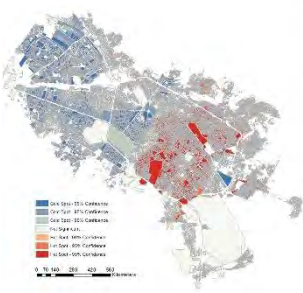
با توجه به جدول ۴، مقادیر به دست آمده از آماره موران عمومی برای متغیرهای مدنظر در محدوده مطالعاتی مثبت بوده که حاکی از توزیع خوشه‌ای پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی در سطح شهر می‌باشد. همچنین آنالیز لکه‌های داغ در جدول ۵ شکل خوشه‌بندی گروه‌ها را به نمایش می‌گذارد به طوری که نقاط داغ‌تر به معنای تجمع بیش‌تر عارضه در آن محدوده و نقاط سردتر به معنای تجمع کم‌تر عارضه می‌باشد.

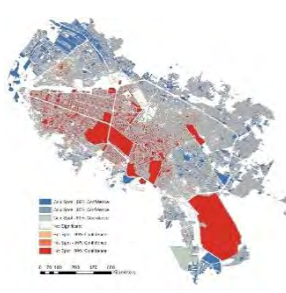
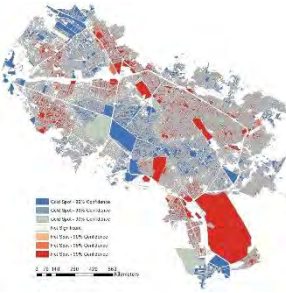
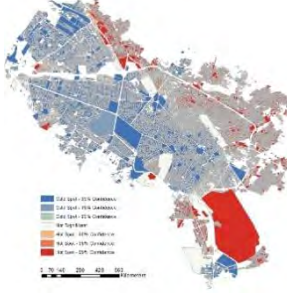
جدول ۴. بررسی میزان خوشه‌بندی بر اساس شاخص موران عمومی

پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط	پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین	پایگاه متغیر
 Moran's Index: 0/080158 z-score: 91/169133 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/173249 z-score: 190/441682 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/290086 z-score: 318/881607 p-value: 0/000000	اسکلت
 Moran's Index: 0/292999 z-score: 322/088998 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/076319 z-score: 84/454725 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/069825 z-score: 77/114476 p-value: 0/000000	مصالح

پایگاه متغیر	پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط	پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین
مساحت واحد مسکونی	 Moran's Index: 0/293827 z-score: 322/957123 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/173160 z-score: 190/411247 p-value: 0/000000	 Moran's Index: 0/280368 z-score: 308/224677 p-value: 0/000000

جدول ۵. نمایش خوشه‌بندی براساس آنالیز لکه‌های داغ

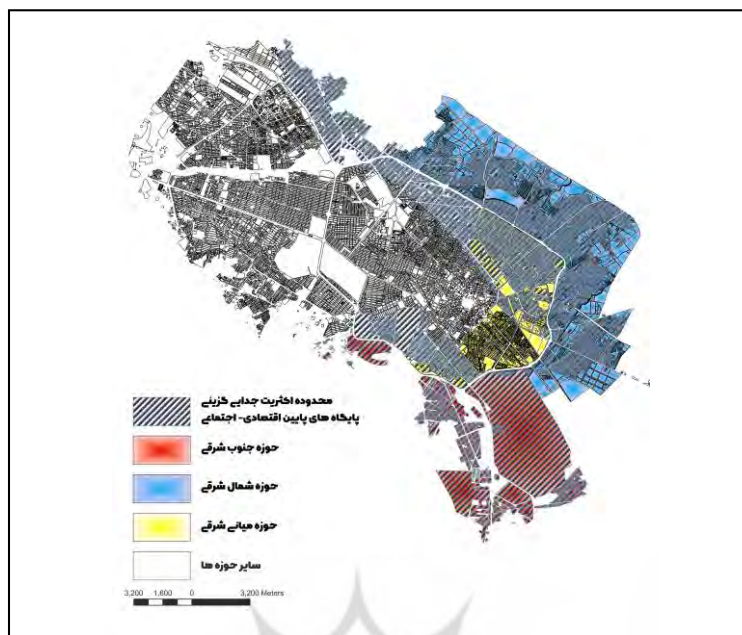
پایگاه متغیر	پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط	پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین
اسکلت			
مصالح			

پایگاه متغیر	پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط	پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین
مساحت واحد مسکونی			

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، از منظر نوع متغیر، بیش‌ترین جدایی‌گزینی پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مربوط به متغیر اسکلت سازه بوده و از منظر مکانی بیش‌ترین تجمع پایگاه‌های پایین اجتماعی- اقتصادی، در شرق شهر مشهد و در حوزه‌های شمال‌شرقی، میانی شرقی و جنوب‌شرقی می‌باشد (شکل ۴).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد؛ سیاست‌های دولت و نظم ساختار سیاسی اصلی‌ترین علت جدایی‌گزینی شهری در جوامع امروزی است که در قالب طرح‌ها، برنامه‌ها و سیستم مدیریت شهری و به شکل طرح‌های جامع و تفصیلی بر ساختار فضایی شهر و نظام اقتصادی و به تبع آن عرصه‌های زیست اجتماعی اثرگذار است. بنابراین انجام هرگونه اقدام و برنامه‌ای در جهت اصلاح ساختار فضایی شهر (شامل ابعاد کالبدی، عملکردی و ارتباطی) به همراه توسعه‌های اقتصادی پیشنهادی از سوی این طرح‌ها می‌تواند اقدامی موثر در جهت اصلاح ساختارهای اجتماعی و کاهش جدایی‌گزینی فضایی باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۴. حوزه‌های جدایی‌گزینی پایگاه‌های پایین اجتماعی-اقتصادی

براین اساس به بررسی پیشنهادی طرح‌های تفصیلی حوزه‌های مذکور از نظر اثرگذاری در روند جدایی‌گزینی فضایی موجود پرداخته شد. این مهم از طریق روش تحلیل مضمون و سازماندهی و استخراج منطق حاکم بر طرح‌ها برای شناسایی نقاط ضعف این طرح‌ها انجام گردید. ابتدا پیشنهادات به صورت مضامین پایه‌ای استخراج و سپس مضامین سازمان‌دهنده (با تجمیع مضامین پایه‌ای) و فراگیر (مضامین حاکم بر کل طرح) ظاهر شدند. با این روند موضع طرح‌های مذکور، نسبت به مساله جدایی‌گزینی فضایی محدوده شرق مشهد مشخص گردید (جدول ۶).

جدول ۶. سازماندهی پیشنهادات موثر طرح‌های تفصیلی مشهد بر پدیده جدایی‌گزینی فضایی

حوزه	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
جنوب شرقی	بهبود نسبی دسترسی به خدمات مرتبط با سکونت	تامین بخشی از سرانه	تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار عملکردی
	توزیع کاربری‌های خدماتی و تبیین اراضی با کاربری انتفاعی - غیرانتفاعی و خدمات ستاره‌دار	کاربری خدماتی (حدوده ۵۰ درصد) و بخش‌هایی در غالب اراضی انتفاعی - غیر انتفاعی و خدمات ستاره‌دار	
	تبیین کاربری‌های مختلط در محورهای اصلی		
	خروج کاربری نظامی از حوزه	ساماندهی اراضی قهوه‌ای	
	جایگزینی کاربری‌های مسکونی خدماتی		
	استقرار کاربری‌های مکمل فضاهای سبز شهری	بهبود عملکرد فضاهای همگانی	
	استقرار کاربری‌های متناسب با عملکرد فضاهای همگانی		
	ایجاد ارتباط با قطب‌های زیارتی و خدماتی مرکز شهر	بهبود ارتباط با سایر نواحی	تأثیرات بر

حوزه	مضامین پایه ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	
	ایجاد ارتباط با کارکردهای مقیاس شهری حوزه میانی شرقی		ارتباطات درون و برون حوزه ای	
	ارتباط مراکز سکونتی و فعالیتی با مراکز اصلی شهری حوزه	بهبود شبکه ارتباطاتی مراکز سکونتی و فعالیتی		
	پیشنهاد مسیر جایگزین برای خروج ترافیک عبوری از بافت مسکونی			
	پیشنهاد طرح های نوسازی شهری	ترمیم فرسودگی بافت	تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار کالبدی	
	ارائه ضوابط خاص بخش های نیازمند بازآفرینی			
	تدقیق ضوابط ساخت و ساز بخش های مختلف حوزه با توجه به شرایط اجتماعی- اقتصادی هر بخش و با مرزبندی های مشخص	تیپ بندی و مرز بندی بافت حوزه جهت تدقیق ضوابط کالبدی		
	تدقیق ضوابط ساخت و ساز خاص معابر عملکردی اصلی			
	جلب مشارکت نهادهای استان قدس در طرح های توسعه شهری	جلب سرمایه گذار و پیشبینی تعداد محدودی پروژه محرک توسعه	تأثیرات بر شرایط اقتصادی	
	ارائه برخی پروژه پیشران و جاذب جمعیت (پل طبیعت بین پادگان و آبشار ۲)			
	استقرار کاربری دارای ارزش افزوده در مجاورت اراضی با قیمت پایین	توزیع کاربری های درآمدزا		
	تعریف انواع کاربری های مدرن اداری، تجاری و خدمات انتفاعی			
	تشدید کاربری ها و نزدیک کردن فضاهای کار و سکونت	ساماندهی توزیع فعالیتی در ارتباط با بافت های مسکونی	تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار عملکردی	
	جلوگیری از نشت فعالیت های تبعی اقتصادی در بافت مسکونی			
	پیش بینی فضاهای دوستدار کودک			
	بهبود نسبی دسترسی به خدمات غیرانتفاعی	تامین بخشی از سرانه کاربری خدماتی (حدوده ۴۸ درصد) و بخش هایی در غالب اراضی انتفاعی - غیر انتفاعی و خدمات ستاره دار		
	توزیع کاربری های خدماتی و تبیین اراضی با کاربری انتفاعی - غیر انتفاعی و خدمات ستاره دار			
	تبیین کاربری های مختلط در محورهای اصلی			
	اتصال حوزه با حوزه های میانی غربی و جنوب غربی	بهبود ارتباطات با سایر حوزه ها	تأثیرات بر ارتباطات درون و برون حوزه ای	
	به کارگیری مدهای حمل و نقل انسان محور در داخل حوزه	ارتقاء ارتباطات درون حوزه		
	افزایش تراکم در محورهای مجهز شهری	تیپ بندی و مرز بندی بافت حوزه جهت تدقیق ضوابط کالبدی	تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار کالبدی	
	تدقیق ضوابط ساخت و ساز خاص معابر عملکردی اصلی			
تدقیق ضوابط ساخت و ساز بخش های مختلف حوزه با توجه به شرایط اجتماعی- اقتصادی هر بخش و با مرزبندی های مشخص				
	ایجاد تحرک در نوسازی بافت فرسوده	ترمیم فرسودگی بافت		
	اقدامات در جهت نوسازی ساختمان های متروک و فضاهای رها شده			
	ایجاد کاربری های ترکیبی	افزایش رونق فعالیت ها		تأثیرات بر شرایط اقتصادی
	کاهش فعالیت های تجاری و خرده فروشی های تک کاربری			
ایجاد کاربری های ۲۴ ساعته				
	پیش بینی برخی عملکردهای نوین	پیش بینی تعداد محدودی پروژه محرک توسعه		
	ارائه برخی پروژه پیشران و جاذب جمعیت (مجمتع تفریحی- تجاری)			

حوزه	مضامین پایه ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	سیلو)		
شمال شرقی	بهبود نسبی دسترسی به خدمات غیرانتفاعی	تامین بخشی از سرانه	تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار عملکردی
	توزیع کاربری‌های خدماتی و تبیین اراضی با کاربری انتفاعی - غیرانتفاعی	کاربری خدماتی (حدوده ۴۴ درصد) و بخش‌هایی در غالب اراضی انتفاعی - غیرانتفاعی	
	تبیین کاربری‌های مختلط در محورهای اصلی		
	ساماندهی اراضی رها شده		
	طراحی فضاها همگانی	بهبود بهره برداری اراضی	
	ساماندهی و طراحی شهری محورهای اصلی	ارتقاء ارتباطات درون حوزه	تأثیرات بر ارتباطات درون و برون حوزه‌ای
	بازگشایی و تعریض معابر	بهبود ارتباطات با سایر حوزه‌ها	
	توسعه حمل و نقل‌های عمومی (خط ۴ مترو، راه آهن و ...)		تأثیرات کمی و کیفی بر ساختار کالبدی
	شناسایی بخش‌های نیازمند بازآفرینی و نوسازی و ارائه ضوابط متناسب	ترمیم فرسودگی بافت	
	پیشنهاد طرح‌های نوسازی شهری		
	تدقیق ضوابط ساخت و ساز بخش‌های مختلف حوزه به شرایط اجتماعی - اقتصادی هر بخش و با مرزبندی‌های مشخص	تیپ‌بندی و مرزبندی بافت حوزه جهت تدقیق ضوابط کالبدی	
	تدقیق ضوابط ساخت و ساز خاص معابر عملکردی اصلی		تأثیرات بر شرایط اقتصادی
	ارائه برخی پروژه‌های پیشران و جاذب جمعیت (شهربازی بین‌المللی پارک بهار)	پیش‌بینی تعداد محدودی پروژه محرک توسعه	
	پیش‌بینی عملکردهای مدرن و نوین		
	تبیین کاربری‌های مختلط در محورهای اصلی	افزایش رونق فعالیت‌ها	
	کاهش خرده فروشی‌های تک کاربری		

با توجه به یافته‌های جدول ۶ به رغم ارائه سیاست‌های موثر در کاهش روند جدایی‌گزینی‌های موجود، این طرح‌ها با چالش‌هایی روبرو هستند. اصلی‌ترین مسائل شناسایی شده عبارت‌اند از: عدم انعطاف‌پذیری در پهنه‌بندی و یکسان‌نگاری حوزه وسیعی از سکونت در قالب تیپ‌بندی‌های مسکونی. این تیپ‌ها بر اساس ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی، به شکل پهنه‌ای و مطابق شرایط زیستی و وضع موجود، پیشنهاد شده و کمتر به ظرفیت زمینه‌ای به منظور حضور سایر اقشار و تقویت شکل سکونت توجه شده است. از سوی دیگر کمبود سرانه کاربری‌های خدمات غیرانتفاعی (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، ...) پیشنهادی، که زیرساخت‌های لازم برای توسعه اجتماعی و اقتصادی را تشکیل داده و زمینه‌ساز ارتقاء سطح زندگی، عدالت اجتماعی و پایداری زندگی شهری است (کلیفتون و دیاز-فونتنس^۱، ۲۰۱۰؛ ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۴)، در این طرح‌ها نمایان است.

همچنین در بخش‌های کمتر توسعه یافته این حوزه‌ها به ابزارهای توسعه، نظیر پروژه‌های پیشران توسعه، که موجب پیشرفت‌های اقتصادی و جذب جمعیت از اقشار مختلف می‌گردد (عزیزی و بهرا، ۱۳۹۹؛ زارع و همکاران، ۱۴۰۰)، توجه شایانی نشده است.

۴. بحث

نتایج این پژوهش بیان عوامل اجتماعی- اقتصادی به عنوان عوامل اصلی و ویژگی‌های سکونت به عنوان نمود اصلی شکل‌گیری جدایی‌گزینی‌های فضایی شهری در پژوهش‌های صورت گرفته نظیر ویلاچا^۱ (۲۰۱۱) و نیز تامارو^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، که جدایی‌گزینی شهری در اروپا را بین سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۰ بر حسب شاخص عدم تشابه بررسی کرده را تایید و شدت بالاتری از جدایی‌گزینی فضایی را بر حسب این شاخص در شهر مشهد نشان می‌دهد (بالای ۰/۵). همچنین این پژوهش نتایج سایر پژوهش‌ها مبنی بر تبیین شدت تفاوت‌های بین گروهی به عنوان عوامل جدایی‌گزینی در شهرهای هدف (یاب نیوونھویس^۳، ۲۰۲۰؛ مسی و تانن^۴، ۲۰۱۸؛ رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹؛ حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷) را کافی ندانسته و به بررسی ریشه‌های شکل‌گیری این عوامل در غالب سیستم مدیریت شهری و طرح‌ها توسعه شهری و ارائه راه‌حل‌های تعدیل آن‌ها می‌پردازد. از سوی دیگر این مقاله به کارگیری ۸ شاخص از شاخص‌های چندگروهی در ابعاد اصلی بررسی جدایی‌گزینی، جهت بررسی دقیق جدایی‌گزینی فضایی و نیز امکان ارتباطات میان گروه‌های اجتماعی- اقتصادی را نسبت به پژوهش‌های مرتبط (دی لوید و شاتلورث^۵، ۲۰۱۲؛ قلعه نویی و ثابت، ۱۳۹۸؛ مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۰)، ضروری می‌داند. نتایج این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های مربوطه انجام شده در شهر مشهد (قضایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ رهنما، ۱۳۷۷)، وجود جدایی‌گزینی شهری در مشهد را تایید و افزایش روند آن را نسبت به نتایج پژوهش‌های مذکور اظهار می‌دارد و با این حال در مقایسه با تحقیق لطفی و قضائی (۱۳۹۸)، جدایی‌گزینی گروه‌های پایین اجتماعی- اقتصادی را به طور خاص در شرق شهر مشهد می‌داند.

نوآوری این مقاله به کارگیری ۸ شاخص از شاخص‌های چندگروهی در ابعاد اصلی بررسی جدایی‌گزینی فضایی جهت بررسی دقیق این پدیده و تبیین امکان ارتباطات میان گروه‌های اجتماعی- اقتصادی به همراه تدقیق مکانی جدایی‌گزینی شهری در کلان شهر مشهد می‌باشد. این پژوهش با اظهار عوامل اصلی پیدایش جدایی‌گزینی شهری، شیوه اعمال سیستم مدیریت شهری در غالب طرح‌ها توسعه شهری را به عنوان عاملی ریشه‌ای و تأثیرگذار بر سایر عوامل دانسته و به بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های طرح‌های تفصیلی مناطق هدف جدایی‌گزینی فضایی در شهر مشهد

1. Flávio villaça
2. Tammaru
3. Jaap Nieuwenhuis
4. Massey and Tannen
5. Christopher D Lloyd & Ian Shuttleworth

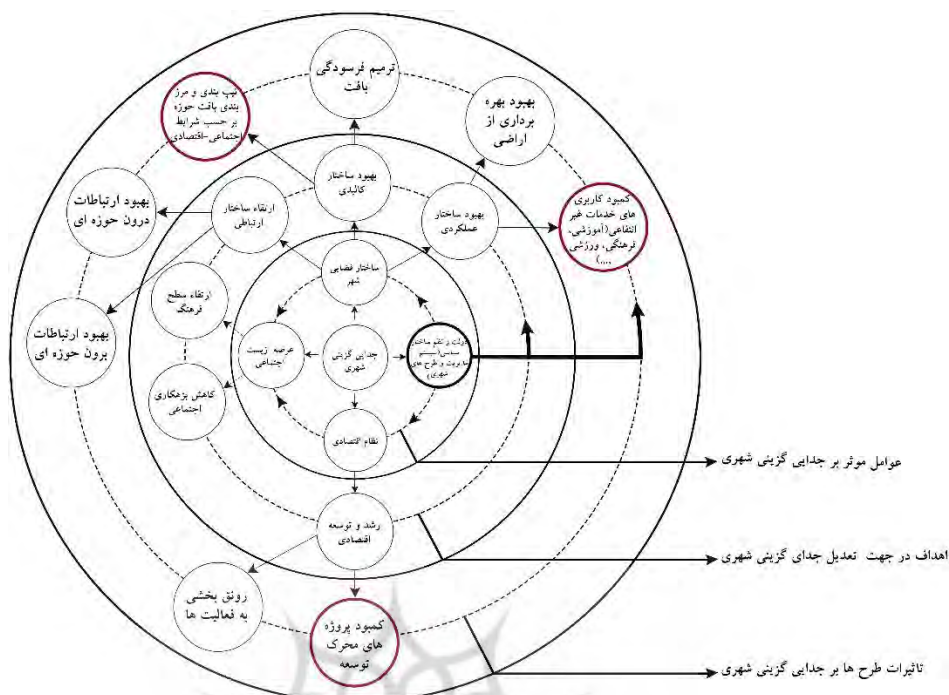
در جهت تعدیل این پدیده می‌پردازد که تا به حال از سوی پژوهش‌های صورت گرفته، به طور مشخص تبیین و مورد بررسی قرار نگرفته است.

۵. نتیجه‌گیری

افزایش روز افزون نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مانعی اساسی در جهت رسیدن به عدالت شهری بوده که به صورت شدت یافته در ساختار فضایی شهر به عنوان جدایی‌گزینی‌های شهری قابل رؤیت است. عوامل شکل‌گیری آن را می‌توان حول ساختار فضایی شهر، دولت و ساختار سیاسی، نظام اقتصادی و عرصه‌های زیست اجتماعی در نظر گرفت. باین‌حال در جوامع امروز، دولت و ساختار سیاسی با اعمال شیوه مدیریت در غالب طرح‌ها و برنامه‌های شهری در بین عوامل مذکور نقشی تعیین کننده دارد. این مقاله با بررسی دقیق و مکانی ابعاد و شاخص‌های اصلی سنجش جدایی‌گزینی شهری و با نظر به نقش اساسی طرح‌های تفصیلی به عنوان اصلی‌ترین طرح‌ها و سیاست‌های تعدیل کننده این پدیده، به تحلیل مضمون این طرح‌ها در مناطق هدف جدایی‌گزینی فضایی در کلان شهر مشهد پرداخته است. نتایج حاکی از وجود جدایی‌گزینی فضایی و تجمع پایگاه‌های پایین اجتماعی-اقتصادی براساس مؤلفه‌های سکونتی در شرق شهر مشهد می‌باشد. بررسی طرح‌های تفصیلی حوزه‌های مربوطه نشان از ارائه برنامه‌هایی در راستای ارتقاء شرایط اقتصادی، بهبود شرایط کالبدی، افزایش بهره‌وری و بهره‌برداری کاربری‌ها و ارتقاء ارتباطات درون و برون حوزه‌ای بوده که بخش‌های اصلی تأثیرگذار در جدایی‌گزینی فضایی را تشکیل می‌دهند. باین‌حال سیاست‌گذاری‌های معارض از قبیل تیپ‌بندی‌های مسکونی براساس عوامل اقتصادی و اجتماعی، فاقد انعطاف‌پذیری بوده و تدقیق آن‌ها با مرزبندی‌های مشخص به شکل پهنه‌ای، با خود سکونت‌گروه‌های خاص را به همراه داشته و مانع از اختلاط اقشار مختلف می‌گردد. همچنین کمبود سرانه کاربری خدمات غیرانتفاعی (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، ...) پیشنهادی، که عدم تامین زیر ساخت‌های لازم برای توسعه اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشته و مانع از ارتقاء سطح زندگی، تحقق عدالت اجتماعی و پایداری زندگی شهری می‌گردد، در این طرح‌ها نمایان است.

از سوی دیگر در بخش‌های کمتر توسعه یافته این حوزه‌ها به ابزارهای توسعه نظیر پروژه‌های پیشران توسعه که علاوه بر اشتغال‌زایی برای افراد محدوده، موجب حضور اقشار مختلف اجتماعی و اقتصادی در بافت نیز می‌گردد توجه شایانی نشده است. این عوامل عدم اختلاط اقشار و گروه‌های مختلف را به همراه داشته و احتمال افزایش روند جدایی‌گزینی شهری را به دنبال دارد (شکل ۵).

با اتخاذ سیاست‌ها در جهت اختلاط تیپ‌بندی‌های مسکونی مبتنی بر عوامل اقتصادی و اجتماعی، تامین کمبود سرانه خدمات مورد نیاز و پیشنهاد پروژه‌های پیشران توسعه در بخش‌های کمتر توسعه یافته در این حوزه‌ها، می‌توان شاهد جذب جمعیت اقشار مختلف در این بخش‌ها بوده که تأثیرات بسیار مهمی در کاهش جدایی‌گزینی موجود در شهر مشهد خواهد داشت.



شکل ۵. تأثیر طرح‌های تفصیلی مشهد بر پدیده جدایی‌گزینی شهری

کتاب نامه

۱. افروغ، ع. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۲. آرمان‌شهر، مهندسین مشاور. (۱۴۰۱). *طرح تفصیلی حوزه میانی شرقی شهر مشهد*. مشهد: اداره کل طرح‌ها و مطالعات شهری شهرداری مشهد.
۳. پاپلی یزدی، ح.، و رجبی سناجردی، ح. (۱۳۸۹). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: انتشارات سمت.
۴. حاتمی نژاد، ح.، فرهودی، ر. ا.، و محمدپور جابری، م. (۱۳۸۷). *تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین)*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۱(۳)، ۷۱-۸۵.
۵. رفیعان، م.، و زاهد، ن. (۱۳۹۹). *سنجش جدایی‌گزینی فضایی شهر قم و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر*. آمایش جغرافیایی فضا، ۳۵(۱۰)، ۲۱۷-۲۳۸.
۶. رفیعان، م.، قضائی، م.، و قاضی، ر. (۱۳۹۷). *بررسی جدایی‌گزینی‌های اجتماعی-فضایی مهاجران در شهر مشهد*. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۷(۱)، ۱۵۱-۱۷۸.
۷. رهنما، م. ر. (۱۳۷۷). *جدایی‌گزینی فضایی مکانی، مورد شهر مشهد*. تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسان.
۸. زارع، م.، بندرآباد، ع. ر.، و شهابیان، پ. (۱۴۰۰). *بازآفرینی شهری در چارچوب پروژه‌های محرک توسعه شهری (مطالعه موردی: محله‌های سنگ‌سیاه، قلعه‌محمود و هارونیه در شیراز، کرمان و اصفهان)*. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۲(۴۷)، ۳۳۹-۳۶۲.

۹. ساسان‌پور، ف.، مصطفوی صاحب، س.، و احمدی، م. (۱۳۹۴). تحلیل نابرابری فضایی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مطالعه موردی: نواحی ۲۲ گانه شهر سنجندج). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۳)، ۹۵-۱۱۴.
۱۰. عزیزی، م. م. و بهرا، ب. (۱۳۹۹). ارزیابی اثرات پروژه‌های محرک توسعه در محله‌های شهری (نمونه مورد مطالعه: محله گودال مصلی، شهر یزد). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۰(۳۷)، ۵۷-۷۰.
۱۱. قضایی، م.، پاکشیر، ع. ا. ر.، لطفی، س.، سلطانی، ع. و گلی، ع. (۱۳۹۵). بررسی جدایی‌گزینی‌های شهری گروه‌های مختلف جمعیتی شهر مشهد با تأکید بر ویژگی‌های سکونت. فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۶)، ۳۳-۵۱.
۱۲. قلعه نویی، م. و ثابت، س. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی در شهر اصفهان. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۶(۲)، ۷۱-۸۸.
۱۳. قلندریان، ا. (۱۴۰۱). تحلیل جریان مهاجرت میان شهرستانی در استان‌های خراسان (طی دوره ۱۳۹۰ ش تا ۱۳۹۵ ش)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۳(۱)، ۲۵-۴۲.
۱۴. قلندریان، ا. و داداش‌پور، ه. (۱۳۹۶). تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت بین شهرستانی در فضای سرزمینی ایران، جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۱(۴)، ۲۲۳-۲۴۶.
۱۵. کاویانی، م. و نظری، م. (۱۴۰۱). کاربریست روش تحلیل مضمون در بررسی و مقایسه جایگاه فکر در روانشناسی قرآن بنیان. فصلنامه علمی روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۱(۱۱۰)، ۵۳-۷۰.
۱۶. لطفی، س. و قضائی، م. (۱۳۹۸). بررسی نقش جدایی‌گزینی در شکل‌گیری بافت‌های محنت‌زده‌ی شهری (نمونه ی موردی: قاسم آباد مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه، ۱۷(۵۴)، ۱۵-۳۶.
۱۷. مشکینی، ا. و رحیمی، ح. ا. (۱۳۹۰). جدایی‌گزینی فضایی در مادرشهرها: تحلیلی بر جغرافیای اجتماعی مادرشهر تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵(۴)، ۸۷-۱۰۷.
۱۸. مهران، مهندسین مشاور. (۱۴۰۱). طرح تفصیلی حوزه جنوب شرقی شهر مشهد. مشهد: اداره کل طرح‌ها و مطالعات شهری شهرداری مشهد.
۱۹. نقش‌پیراوش، مهندسین مشاور. (۱۴۰۱). طرح تفصیلی حوزه شمال شرقی شهر مشهد. مشهد: اداره کل طرح‌ها و مطالعات شهری شهرداری مشهد.
۲۰. زندانی، م. ح.، سلطانی، ع.، نظم‌فر، ح. و عطار، م. ا. (۱۳۹۵). سنجش جدایی‌گزینی مسکونی پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی شهر شیراز با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری چندگروهی. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶(۴۲)، ۱۹۷-۲۲۲.

21. Apparicio, P., Martori, J. C., Pearson, A. L., Fournier, É., & Apparicio, D. (2014). An open-source software for calculating indices of urban residential segregation. *Social Science Computer Review*, 32(1), 117-128.
22. Christopher, A. J. (2001). Urban segregation in post-apartheid South Africa. *Urban Studies*, 38(3), 449-466.
23. ooooooo ,, & nnnnnnnnnnnnnnnn 221)). GGGGGGGGGGGG EEEEEEE NN CCCCCC SERVICES: A CITIZENS'PERSPECTIVE. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 81(2), 281-311.

24. Djonie, J. (2011). *Urban racial segregation measures comparison*. Texas A & M University,
25. Legeby, A. (2013). *Patterns of co-presence: Spatial configuration and social segregation*. KTH Royal Institute of Technology,
26. Lloyd, C. D., & Shuttleworth, I. (2012). Residential segregation in Northern Ireland in 2001: Assessing the value of exploring spatial variations. *Environment and Planning A*, 44(1), 52-67.
27. Massey, D. S., & Denton, N. A. (1988). The dimensions of residential segregation. *Social forces*, 67(2), 281-315.
28. Massey, D. S., & Tannen, J. (2018). Suburbanization and segregation in the United States: 1970–2010. *Ethnic and racial studies*, 41(9), 1594-1611.
29. Nieuwenhuis, J., Tammaru, T., Van Ham, M., Hedman, L., & Manley, D. (2020). Does segregation reduce socio-spatial mobility? Evidence from four European countries with different inequality and segregation contexts. *Urban Studies*, 57(1), 176-197.
30. Nightingale, C. H. (2012). *Segregation: A global history of divided cities*: University of Chicago Press.
31. Oka, M., & Wong, D. W. (2014). Capturing the two dimensions of residential segregation at the neighborhood level for health research. *Frontiers in public health*, 2, 118.
32. aaa ddn, .. ,, & '' uuvvv, .. 2200)). sssssss ss llllll llll gation. *Sociological methodology*, 34(1), 121-162.
33. Sager, L. (2012). Residential segregation and socioeconomic neighbourhood sorting: Evidence at the micro-neighbourhood level for migrant groups in Germany. *Urban Studies*, 49(12), 2617-2632.
34. Smith, T., Nelischer, M., & Perkins, N. (1997). Quality of an urban community: a framework for understanding the relationship between quality and physical form. *Landscape and Urban planning*, 39(2-3), 229-241.
35. Tammaru, T., Marcin' Czak, S., Aunap, R., van Ham, M., & Janssen, H. (2020). Relationship between income inequality and residential segregation of socioeconomic groups. *Regional Studies*, 54(4), 450-461.
36. Villaça, F. (2011). São Paulo: urban segregation and inequality. *Estudos Avançados*, 25, 37-58.
37. White, M. J. (1983). The measurement of spatial segregation. *American journal of sociology*, 88(5), 1008-1018.
38. Wong, D. W. (2003). Implementing spatial segregation measures in GIS. *Computers, Environment and Urban Systems*, 27(1), 53-70.